پرده نقره‌ای

«تنگه ابوقریب»، «شعله‌ور» و «دم‌سرخ‌ها» روی پرده می‌روند

دو فیلم از سینمای جنگ و اجتماعی و یک فیلم از سینمای کمدی در انتظار نمایش در سینماها هستند.

به گزارش سرویس سینمایی هنرآنلاین؛ شورای صنفی نمایش هر هفته با حضور اعضای شورا اقدام به برگزاری جلساتی برای صدور پروانه نمایش فیلم‌های تازه نفس می‌کند. در هفته‌های گذشته نیز این جلسات برگزار شد و پروانه نمایش فیلم‌هایی چون تنگه ابوقریب، شعله‌ور، دم‌سرخ‌ها، آخرین داستان، بنفشه آفریقایی، کلمبوس و جن زیبا، صادر شد. در واقع این آثار پروانه نمایش دارند، اما این که چه زمانی را برای اکران خود انتخاب کنند و چه زمانی با شرکت پخش کننده به توافق برسند از اهمیت بالایی برخوردار است.

فیلم‌هایی که در ادامه می‌آید، با شرکت پخش کننده به توافق نهایی رسیده‌اند و قرار است از ۱۷ مرداد روی پرده سینماهای کشور بروند.

تنگه ابوقریب



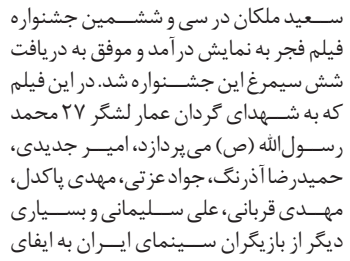
به کارگردانی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و موفق به دریافت شش سیمرغ این جشنواره شد. در این فیلم که به شهدای گردان عمار لشگر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) می‌پردازد، امیر جدیدی، حمیدرضا آذرنگ، جواد عزتی، مهدی پاکدل، مهدی قربانی، علی سلیمانی و بسیاری دیگر از بازیگران سینمای ایران به ایفای نقش پرداخته‌اند. این فیلم از روز ۱۷ مرداد ماه به سر گروهی سینما استقلال به جای فیلم «دارکوب» به روی پرده می‌رود.

شعله‌ور



ساخته حمید نعمت‌الله پس از فیلم «رگ خواب» است. امین حیایی در این فیلم به ایفای نقشی متفاوت پرداخته است و علاوه بر او زری خوشکام، بهمن پرورش، فرید قبادی، دارا حیایی، مژگان صابری، پانته‌آ مهدی نیا بازیگران این فیلم سینمایی هستند. فیلمنامه «شعله‌ور» به‌طور مشترک توسط هادی مقدم دوست و حمید نعمت‌الله به نگارش درآمده است و مضمونی اجتماعی دارد. این فیلم زندگی مردی را روایت می‌کند که احساس می‌کند عددی نشده است و این احساس او و همه زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فیلم نیز به جای فیلم «هزارپا» به کارگردانی ابوالحسن داودی در گروه سینمایی کورش به روی پرده می‌رود.

دم سرخ‌ها



یک فیلم کمدی به کارگردانی آرش معیریان است و به دغدغه و مشکلات جوانان می پردازد. در خلاصه داستان این فیلم آمده: برای فرار از حقیقت خوابیدیم و کابوس دیدیم... جواد رضویان، بهنوش بختیاری، اندیشه فولادوند، رضا شفیعی جم، علی صادقی، رضا ناجی، شهره لرستانی، جمال اجلالی، سعید پیردوست، مجید یاسر، عباس جمشیدی فر، شهین تسلیمی، نگین معتضدی، ماشاالله شاهمرادی‌زاده و محیا اسناوندی بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

آخرین ساخته آرش معیریان نیز به سر گروهی ماندانا به جای فیلم «دشمن زن» کریم امینی به سینماها می‌آید.

به بهانه حضور مهران مدیری در برنامه خندوانه و باقی قضایا

مارلون براندو، مهران مدیری و یک بشقاب دمپختک میلیاردی

PDF Compressor Free Version



افسانه فرقدان، روزنامه نگار

منتقدان بزرگ سینما معتقدند که سینمای جهان از آغاز تولدش تاکنون به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یک طرف مارلون براندو و طرف دیگر سینما با تمام محتویاتش است.

فارغ از مجادله منتقدان سینما و دعوای بین موافقان و مخالفان آن، ضروری می‌دانم یادداشتم را با مقدمه‌ای از مارلون براندو بدون موافقت و مخالفت با این نظریه، فتح باب کنم. آنچه در ادامه می‌آید، نه مقایسه دو فرد که روشن کردن ابعاد تقلیدی نابهنگام و رد هرگونه شباهت است.

مارلون براندو علاوه بر مصاحبه‌هایش به‌عنوان یک فوق ستاره، در سال‌های پایانی عمر کتاب خاطراتش به نام «آوازهایی که مادرم به من آموخت» را به رشته تحریر درمی‌آورد و در آنجا عنوان می‌کند که هرگز به بازیگری علاقه‌ای نداشته و در حالی که در گوشه گوشه دنیا تعدادی از مردم در فقر و گرسنگی و جنگ به‌سرمی‌برند بسیاری جان خود را در همین حوادث و نسل‌کشی‌های از دست می‌دهند، ساخت فیلم‌های سرگرم‌کننده هالیوود با هزینه‌های نجومی، کاری احمقانه است. او می‌گوید چون هرگز در زندگی‌اش کار دیگری بلد نبوده وارد سینما شده و سینما را فقط برای پول و درآمدش می‌خواهد تا از این رهگذر زندگی کند. در حقیقت اگر چه براندو در تمام کارهای ماندگارش شرافت اخلاقی و کاری و اصول انسانی را لحاظ کرد، اما همیشه برای نقدش به هالیوود و حاضر نشدن در مراسم اسکار برای دریافت جایزه‌اش همواره آماج حملات منتقدان و تهیه‌کنندگان بود.

نخستین اسکار مارلون براندو برای فیلم بارانداز از خانه‌اش دزدیده شد. اما زمانی که جایزه ربوده شده او را در شهر پاریس به حراج گذاشته بودند او برای پیگیری حتی به خود زحمت نداد تا از روی کاناپه‌اش تکان بخورد. برای دریافت دومین اسکارش به‌خاطر بازی در فیلم پدرخوانده در مراسم اسکار حاضر نشد و در اقدامی اعتراضی یک زن آپاچی سرخپوست را با بیانیه‌ای ضدتبعیض‌نژادی روی صحنه فرستاد. مارلون براندو به‌راستی آن‌گونه زیست که می‌گفت؛ با فواصل طولانی بازی می‌کرد و پولش را جهت ساخت بیمارستان و مدرسه و فرودگاه در یکی از جزایر هاییتی که خریده بود صرف می‌کرد. او نه تنها بخش زیادی از ثروتش را در راه مبارزه با تبعیض‌نژادی علیه اقلیت‌ها و سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان صرف کرد، بلکه شخصاً در تمام عمر در مبارزات سرخ‌پوستان حضور داشت و بارها بازداشت شد. این تمام ماجرا نبود؛ او حتی فیلمنامه‌ها و دیالوگ‌ها را به نفع عقاید انسانی‌اش تغییر می‌داد و اگر لازم بود درگیر کشمکش با عوامل فیلم می‌شد تا آن‌چه باید، بشود.

به سخره گرفتن تمامی ابعاد بزرگ‌ترین کمپانی فیلم‌سازی جهان توسط مارلون براندو، برای همیشه اعتبار و قدرت هالیوود را خدشه‌دار کرد

مصاحبه درباره فیلم کوییمادا

مارلون براندو در مصاحبه با لارنس گرابل درباره وقایع رخ داده در فیلم‌برداری فیلم کوییمادا (در ایران شعله‌های آتش) به کارگردانی جیلو پونته کورو، در اعتراض به رفتار ناعادلانه و خشونت‌آمیز او با سیاه‌پوستان، صحنه فیلم‌برداری را ترک می‌کند. مارلون براندو در مصاحبه این گونه می‌گوید: «تصمیم بر این بود که اگر جیلو از همه کارگرای سیاه‌پوست فیلم عذرخواهی کنه و دونه دونه دستای داغونشونو بفشاره و صورت پلاسیده‌شون رو ببوسه، برگردم سر صحنه فیلم، وگرنه از همون اول هم مطلقاً برام مهم نبود که از شخص من معذرت بخواد. خب! جیلو عذرخواهی نکرد و در عوض پیغام فرستاد که اگر برنگردی سر کار، ازت شکایت میشه و شش میلیون دلار میره توی پاچه‌ات. خب! من تو اون روزها صفر صفر بودم و در واقع یه ورشکسته تمام عیار. به وکیلم، باب زنگ زدم و گفتم که اگه شش میلیون دلارو ندم چی میشه؟ با تعجب گفت: هی مارلون! تو واقعاً نمی‌خوای برگردی سر فیلم؟ حرفشو قطع کردم و دوباره گفتم: چی میشه باب؟ بی‌درنگ گفت: میری زندان. شب خوابیدم و صبح باب زنگ زد. قبل از این که چیزی بگه، گفتم: باب! من می‌خوام برم زندان. چرتش پاره شد و گفت: شوخی‌ت گرفته مارلون؟ گفتم: نه! دفعه اولم نیست که بازداشت میشم، حالا این دفعه احتمالاً طولانی‌تره.»

لازم است به ادامه گفت‌وگوی مارلون براندو اضافه کنم که حتی پس از عذرخواهی جیلو از کارگران و نابازیگران سیاه‌پوست فیلم، او اعلام می‌کند که آن‌ها باید با سفیدپوستان و سر یک میز غذا بخورند و همان چیزی را بخورند که خودش می‌خورد و وقتی چنین امکانی برای خیل عظیم سیاه‌پوستان فراهم نمی‌شود، مارلون براندو تا پایان فیلم‌برداری در کنار سیاه‌پوستان و از غذای آن‌ها می‌خورد.

فوق‌ستاره‌ای که به‌خاطر اظهاراتش حمله‌های رسانه‌های هالیوود را به جان خرید و ارزش هالیوود را تنها در حد یک دستگاه پول‌سازی برآورد کرد، حاضر است به‌خاطر بی‌حرمتی به سیاه‌پوستان، در حالی که کاملاً ورشکسته است، شش میلیون دلار را با حبس طولانی غرامت بدهد. این نقطه عطفی در تاریخ حضور سیاه‌پوستان در سینمای هالیوود است که با نام مارلون برادو به‌خاطر انسانی‌ترین اقدامش گره خورده است. به سخره گرفتن تمامی ابعاد بزرگ‌ترین کمپانی فیلم‌سازی جهان توسط مارلون براندو، برای همیشه اعتبار و قدرت هالیوود را خدشه‌دار کرد تا در خاطر تمام منتقدان و مخاطبانش ثبت شود.

می‌توانیم برای آقای مدیری لذیذترین دمپختک عمرش را تهیه کنیم تا ایشان از سینمایی که برای آن ارزش قایل نیست بیرون برود

حاضری سینما را با چه چیزی عوض کنی؟

حالا مهران مدیری که نشان داده طی حدود سه سال ضبط برنامه پربیننده دورهمی نه تنها نتوانسته بدون حضور گروه چیره‌دست نویسندگان پیشین این برنامه، دورهمی را جذاب و به‌روز نگه دارد، بلکه در طرح پرسش برای مهمانانش اندکی خلاقیت به خرج نمی‌دهد و به‌صرف انتقادهایی که میان مردم پچ پچ می‌شود و او می‌تواند از طریق تریبونی که در اختیار دارد آن‌ها را بلندبلند بگوید و بشود آب باریکه‌ای از ندای مردم که البته از انتقاد از کابینه دولت تا گن زنانه در نوسان است، چندماهی بیشتر برنامه تاریخ مصرف گذشته‌اش را روی آنتن ببرد، حالا باید نانی که رامبد جوان به او قرض داده و در برنامه‌اش حضور پیدا کرده را به او پس بدهد. پس در برنامه خندوانه حاضر می‌شود و در حالی پا روی پا انداخته، به پرسشی در سطح سؤالاتی که از کودکان می‌پرسند که: «مامانت را بیشتر دوست داری یا بابا را؟» به این پرسش رامبد جوان پاسخ بدهد که: «حاضری سینما را با چه چیزی عوض کنی؟» و بگوید: «با یک بشقاب دمپختک». رامبد جوان هم در حالی که از شدت شگفتی وارفته است، نبوغ مارلون براندووارانه تقلیدی مهران مدیری را تحسین می‌کند (تحلیل ابعاد و سطح واکنش رامبد جوان بماند برای وقت دیگر).

مهران مدیری با درآمد میلیاردی از سینما و تلویزیون که به قولش خودش از درآمد صفر به این جا رسیده و با ساخت طنزهای تیپیک و خالی بودن عرصه از رقیب، اما به هر حال به لطف نویسندگان خلاقش موفقیت‌هایی کسب کرده، سینمایی که او را به این جا رسانده را با یک بشقاب دمپختک عوض می‌کند. یادمان باشد که این سینما، کمپانی پول‌ساز هالیوود نیست. سینمایی است که در ندارى و ممنوعیت‌ها و محرومیت‌ها و عشق علی حاتمی‌ها و ناصر تقوایی‌ها و عباس کیارستمی‌ها و خسرو شکیبایی‌هایی که ۲۰ سال پشت در تأتر شهر خوابید، با تکیه بر سواد و همت آنها به این جا رسیده و امروز راهی مراسم اسکار می‌شود تا حرفی برای گفتن داشته باشد. آنها کسانی بودند که سینما را زندگی کردند و پولی هم در چنته نداشتند اما آن را نفروختند.

مهران مدیری که برای کسب درآمد میلیاردی نه از برنامه دورهمی تا آخرین نفس گذشت و نه از سفرکردن به شهرهای ایران برای اکران فیلم ساعت پنج عصر صرف نظر کرد و در نهایت هم از فروش فیلمش به‌خاطر نقد منتقدان ناراضی بود و گله کرد، هیچ شباهتی با گذشت مارلون براندو از میلیون‌ها دلار به‌خاطر بی‌حرمتی به سیاه‌پوستان و اعترافش که سینما را تنها به‌خاطر پولش می‌خواهد، ندارد.

اکنون هیچ مشکلی وجود ندارد، می‌توانیم برای آقای مدیری لذیذترین دمپختک عمرش را تهیه کنیم تا ایشان از سینمایی که برای آن ارزش قایل نیست بیرون برود. به همین سادگی! پس برخلاف حیرت رامبد جوان، هیچ نبوغ و فکری پشت این پاسخ وجود ندارد. زیرا مهران مدیری در عمل اثبات نکرده که برای پول سینما ارزش قایل نیست.

انسان دشواری وظیفه است

و در نهایت در میانه بلوایی چون حمله داعشیان به مجلس ایران در روز روشن و هزاران اتفاق دیگر که آن‌ها را به اخبار روز در دسترس مردم واگذار می‌کنم، دعا می‌کند که؛ «خدایا همین امنیت را برای ما حفظ کن» در حالی که رفتگران بی‌صدای شهر که تنها صدایشان صدای خش خش ممتد و طولانی جاروهایشان رو سنگفرش‌های شهر خوابیده در نیمه شب است را در شرایطی می‌بینند که می‌تواند یک میلیون به بیست نفر از آن‌ها صدقه بدهد. همین یک جمله در دعای او کافی است تا بدانیم کسی که مهمانان برنامه‌اش و مردم را به‌خاطر کتاب نخواندن سرزنش می‌کند، قطعاً تعریف دقیقی از جنگ و امنیت ندارد. مارلون براندو برای حرمت انسانی عده‌ای کارگر سیاه‌پوست فیلم‌برداری را می‌خواباند، آماده رفتن به زندان می‌شود و از کارگردان می‌خواهد که بیاید با عذرخواهی دست‌هایشان را بفشارد و صورتشان را ببوسد، هرگز حرمت انسانی آنها را با پولی که کارگردان دریافت خواهند کرد، تاخت نمی‌زند، آنها را مستحق صدقه از سوی خودش یا کارگردان نمی‌داند، بلکه به بازگشت حرمت انسانی آنها و شرایط برابر رضایت می‌دهد. یقین مارلون براندو هم می‌توانست مبلغی از شش میلیون دلار را صدقه بدهد. و جای تعجب نیست که رامبد جوان برای این اقدام مهران مدیری هم کف بزند. «انسان دشواری وظیفه است» و این گونه است که مارلون براندو انسان است.

خبر

انتخاب فیلم اسکار را به کانون کارگردانان بسپارید!



کانون کارگردانان سینمای ایران خواستار واگذاری هیات انتخاب فیلم برای اسکار فیلم خارجی به خانه سینما شد. در ۲۳ سال گذشته بنیاد سینمایی فارابی هر سال هیاتی را انتخاب می‌کند تا نسبت به تصمیم‌گیری و بررسی برای معرفی فیلم به اسکار اقدام کنند، این در حالی است که امسال برای اولین بار کانون کارگردانان سینمای ایران رسما خواستار انتخاب فیلم توسط خانه سینما شده است.

متن نامه کانون کارگردانان سینمای ایران که خطاب به رئیس سازمان سینمایی نوشته شده، به شرح زیر است:

«جناب آقای مهندس محمدمهدی حیدریان، ریاست محترم سازمان سینمایی

باسلام، همان گونه که مستحضرید مسئولیت معرفی فیلم برای شرکت در اسکار فیلم خارجی بر اساس قوانین اسکار می‌بایست توسط هیات داوری یا کمیته‌ای متشکل از هنرمندان و دست‌اندرکاران صنعت سینما مانند کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر، فیلمبردار، فیلمنامه‌نویس، تدوین‌گر، سازنده موسیقی، صداگذار و ... باشد و برخلاف آن چه در سال‌های قبل انجام شده به هیچ وجه مدیر و مسئول سینمایی و منتقد نمی‌توانند در این کمیته عضویت داشته باشند.

از این رو خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید تا کمیته انتخاب در نهاد صنفی خانه سینما تشکیل شود.» نود و یکمین دوره اسکار روز یکشنبه ۵ اسفند ۱۳۹۷ در لس‌آنجلس برگزار می‌شود و نامزدهای جایزه نیز روز دوم بهمن ماه اعلام می‌شوند. فیلم‌هایی که از ۹ مهر ۱۳۹۶ تا ۸ مهر ۱۳۹۷ حداقل هفت روز متوالی در حداقل یک سینما نمایش، بلیت‌فروشی و آگهی تبلیغاتی داشته‌اند، قابل بررسی هستند.

فیلم انتخاب‌شده با مدارک لازم باید حداکثر تا ۹ مهر به دفتر آکادمی معرفی شود.